نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و ششم – شماره ۱۰۶۵

چهارشنبه ۸ آذر ۱۴۰۲   ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



جهانی بهتر به آیندگان تحویل دهیم

بوشهر صنعت گردشگری را جلوتر از دوبی آغاز کرد

در صنعت گردشگری، باید چراغ قرمز «شادی ممنوع» خاموش شود

خبر برگشت میگوی پرورشی بوشهر از کشور چین، دروغ است

مدیرکل شیلات استان بوشهر گفت: براساس توافق قرنطینه‌ای میان دامپزشکی ایران و گمرک چین از تولیدات سالجاری بوشهر حتی یک کانتینر میگو به چین صادر نشده که بخواهد برگشت داده شود.

"عقیل امینی" در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: برگشت ۶ کانتینر یخچالدار میگوی صادر شده استان بوشهر به چین بدلیل آلودگی به فاضلاب توسط یکی از سایت‌های خبری به نقل از فردی بی نام و نشان که او را تولید کننده و صادر کننده آبزیان معرفی نموده، صد در صد دروغ ، جعلی و غیر واقعی است.

وی یادآورشد: میگوی پرورشی استان بوشهر به ۲۳ کشور دنیا (از جمله یکهزارو ۶۰۰ تن از محصول پارسال به چین) صادر شد و مورد استقبال بزرگترین بازارهای جهانی میگو قرار دارد.

مدیرکل شیلات استان بوشهر افزود: در همین مدت ۲۰ کانتینر میگوی پرورشی این استان به اروپا که یکی از سختگیرانه‌ترین قوانین بهداشتی در زمینه سلامت آبزیان را دارد صادر شده که نه تنها ۲۰کاتینر یادشده بلکه تمام محموله‌هایی که در ۳۰ سال صادرات میگوی ایران به اروپا صادر شده، همه از سد نظارت‌های دقیق نهادهای نظارتی عبور کرده و حتی یک مورد برگشت یا گواهی مردود شده نیز گزارش نشده است.

وی گفت: براساس آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران ، روسیه هم اکنون بزرگترین بازار میگوی ایران است و از مجموع ۱۷ هزار تن میگوی صادراتی به کشور یاشده در سال گذشته قریب به ۱۴ هزار تن آن مربوط به تولیدات استان بوشهر بوده است.

امینی تصریح کرد: قرینه دیگر بر رد ادعای مطرح شده این است که مقام های نظارتی و بهداشتی قرنطینه‌ای ۲۳ کشور مقصد صادراتی آبزیان استان بوشهر (اعم از چین، روسیه و اروآسیا، ترکیه ، اروپا، کشورهای همسایه و آسیای جنوب شرقی) برای همه محموله های وارداتی میگوی خود از ایران پس از انجام آزمایش های لازم اقدام به ترخیص و واردات محصولات آبزیان صادراتی ایران کرده اند و اگر آلودگی های ادعایی فاضلاب شهری وجود داشت چنین پدیده ای رخ نمی داد.

وی افزود: انتشار این گونه خبرهای بی پایه موجب لطمه زدن به اعتبار و حیثیت تولید کنندگان و کل فعالان صنعت میگو می‌شود و لازم است این رویه ناصواب اصلاح شود .

وعده استاندار بوشهر:

تخصیص زمین در شهر بوشهر برای ساخت کتابخانه مرکزی

استاندار بوشهر از تصویب تخصیص زمین در مرکز شهر بوشهر برای ساخت کتابخانه مرکزی در نشست اخیر کمیته برنامه‌ریزی استان بوشهر خبر داد.

به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، احمد محمدی‌زاده اظهار داشت: این زمین در موقعیت مناسبی در مساحتی برابر با پنج هزار مترمربع در منطقه یک شهر بوشهر با هم‌افزایی که میان دستگاه‌های اجرایی و فرهنگی شکل گرفت، برای ساخت کتابخانه مرکزی شهر بوشهر مصوب شد.

وی تأکید کرد: ساخت کتابخانه مرکزی در بوشهر در برنامه چهارم توسعه آمده و از این‌رو به مطالبه‌ای ۲۰ ساله در حوزه فرهنگ استان تبدیل شده بود.

محمدی زاده بیان کرد: البته این مطالبه در سال ۱۳۸۹ در دولت اسبق در سفر رئیس جمهور وقت به بوشهر با اختصاص زمینی با مساحت ۱۲ هزار مترمربع در شهرک نیایش مصوب شد، اما این پروژهٔ بزرگ فرهنگی در دو دولت قبل به‌دلیل تأمین نشدن اعتبار بر زمین ماند. این مطالبه و خواسته به حق جامعه فرهنگی در دولت سیزدهم که نگاه جدی به توسعه زیرساخت‌های کتابخانه‌ای در کشور دارد، زنده و با نگاه ویژه‌ای دنبال شد.

محمدی زاده تصریح کرد: تمرکز خود را به ساخت این کتابخانهٔ در شهرک نیایش گذاشتیم، اما با توجه به اینکه در مرکز شهر بوشهر کتابخانهٔ عمومی استانداردی وجود نداشت و این شهرک خود دارای پیوست فرهنگی بود، تلاش کردیم تا در طرح مولدسازی، زمین مناسبی را برای احداث کتابخانهٔ مرکزی در مرکز شهر شناسایی و تصویب کنیم که این مهم در تازه‌ترین نشست کمیته برنامه‌ریزی استان بوشهر به تصویب رسید.

استاندار بوشهر گفت: با نهایی شدن زمین ساخت کتابخانه مرکزی، ۱۰ میلیارد تومان برای مطالعه و زیرسازی مرحله اول عملیات اجرایی آن اختصاص یافته که درصدد هستیم مرحله مطالعه آن هر چه سریع‌تر و به شکل تخصصی انجام شود تا پایان همین امسال کلنگ ساخت کتابخانه مرکزی بر زمین زده شود.



۳۵ نفر از زندانیان غیرعمد بوشهر آزاد شدند

مدیر کل امور زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی استان بوشهر گفت: زمینه آزادی ۳۵ نفر زندانی از زندانیان غیرعمد این استان با حضور معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان زندان‌ها فراهم شد.

به گزارش ایرنا "سید محتشم حسینی" در این آئین اظهارکرد: به منظور آزادی زندانیان و ارائه ارفاقات قانونی اقدامات گسترده‌ای در این استان انجام شده است. با همکاری رئیس کل دادگستری استان، انجمن حمایت زندانیان و ستاد مردمی دیه و خیرین و گذشت شاکیان با توجه به ایام فاطمیه و شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) امروز این شمار از زندانیان که جرایم غیرعمد و مالی داشتند از زندان آزاد و به آغوش جامعه و خانواده بازگشتند.

علائم اقتصادی از رکود خبر می‌دهند نه رشد!

تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی شبیه به آرزو است

یک کارشناس اقتصادی اظهار داشت: افزایش نرخ رشد اقتصادی مطالبه همه مردم ایران از دولت است چراکه اگر نرخ رشد اقتصادی به بیش از ۸ درصد برسد، درآمد ملی کشور در ۹ سال به دو برابر افزایش پیدا می‌کند.

علائم اقتصادی از رکود خبر می‌دهند نه رشد! تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی شبیه به آرزو است جمشید عدالتیان در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا درباره ادعای دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۳ نسبت به تحقق نرخ رشد ۷ درصدی اظهار داشت: تحقق نرخ رشد ۷ درصدی اقتصاد به میزان سرمایه‌گذاری که انجام می‌گیرد، بستگی دارد. باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری تنها از سوی دولت انجام نمی‌شود، سرمایه‌گذاری از سه بخش تشکیل می‌شود که یک بخش بودجه عمرانی دولت، بخش دیگر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و بخش سوم هم جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. به هر حال مهمترین فاکتوری که می‌تواند در نرخ رشد اقتصاد اثر داشته باشد، سرمایه‌گذاری است.

وی ادامه داد: تا کنون فضای اقتصاد ایران برای سرمایه‌گذاری مناسب نبود، حال باید دید دولت اقداماتی برای افزایش سرمایه‌گذاری انجام خواهد داد که وعده نرخ رشد ۷ درصدی را می‌دهد؟ آیا بستر و محیط برای سرمایه‌گذاری آماده می‌شود که دولت چنین برنامه‌ای را در بودجه دیده است؟

این کارشناس اقتصادی گفت: واقعیت این است که هدف تحریم‌ها این است که نرخ رشد اقتصاد ایران در کمترین اعداد و ارقام باقی بماند و روند کاهشی باشد. حال این که دولت چه تدابیری در نظر گرفته که اجازه تحقق این هدف تحریمی را ندهند آیا می‌تواند نفت و گاز بیشتری را صادر کند؟ سرمایه‌گذاری در بخش‌های عمرانی را افزایش می‌دهد؟ یا اینکه مشوق‌های ویژه‌ای برای بخش خصوصی در نظر گرفته‌اند؟

عدالتیان تاکید کرد: تحقق نرخ رشد ۷ درصدی شدنی است، اما سوال این است که این سرمایه از کجا خواهد آمد. براساس تجربه هیچ وقت اقتصاد ایران نرخ رشد ۸ درصدی پیش‌بینی شده در برنامه هفتم را نداشته تنها یک بار در دولت احمدی‌نژاد زمانی که نفت به ۱۰۰ دلار رسید به نرخ رشد نزدیک به ۸ درصد دست پیدا کردیم.

وی افزود: افزایش نرخ رشد اقتصادی مطالبه همه مردم ایران از دولت است چرا که اگر نرخ رشد اقتصادی به بیش از ۸ درصد برسد، درآمد ملی کشور در ۹ سال به دو برابر افزایش پیدا می‌کند یعنی این رشد نرخ اقتصادی مانند اقتصاد چین تداوم داشته باشد در دو دوره ۹ ساله درآمد ملی ایران می‌تواند به بیش از هزار میلیارد دلار برسد و جزو ۲۰ کشور دنیا باشد، اما این چیزی شبیه به آرزو است.

این کارشناس اقتصادی در پاسخ به این سوال که نرخ رشد اقتصادی امسال که به بیش از ۴ درصد رسید عامل سرمایه‌گذاری نداشت و گفته می‌شود که آن قدر اقتصاد ایران در سال‌های گذشته به ویژه در دوره کرونا کوچک شده بود که هر تکانه مثبتی می‌توانست عامل رشد اقتصادی باشد، آیا برای تحقق نرخ رشد ۷ درصدی هم عاملی جز سرمایه‌گذاری می‌تواند موثر باشد، اظهار داشت: امکان این‌که عامل جز سرمایه‌گذاری نرخ رشد را بالا ببرد وجود دارد چراکه ظرفیت‌هایی در اقتصاد ایران وجود دارد که در دوره‌ای که اقتصاد کشورمان بسیار کوچک شد، از آن استفاده نشد که می توان این ظرفیت‌ها را احیا کرد.

عدالتیان ادامه داد: تولید و صادرات و مصرف نفت و گاز در کشورمان زیر قدرت تولید بوده در حالی‌که ظرفیت تولید ۴ میلیون بشکه در روز وجود داشت. بسیاری از صنایع کشورمان هم در حال حاضر به دلایل مختلفی زیر ظرفیت خود تولید دارند، احیای این ظرفیت‌های خالی می‌تواند منجر به رشد اقتصادی شوند اما این امر به این موضوع بستگی دارد که چه فضای کسب و کاری در کشور ایجاد شود.

وی اظهار داشت: در این باره دو دیدگاه وجود دارد اول این‌که باید گشایشی ایجاد شود و تقاضا افزایش پیدا کند تا سرمایه‌گذاری افزایش پیدا کند، اما در دیدگاه دوم عوامل متعدد دیگری وجود دارد از جمله این‌که قدرت خرید مصرف‌کننده داخلی در حال کاهش است و اگر در نتیجه سرمایه‌گذاری تولید افزایش پیدا کند در حالی که قدرت خرید کاهش پیدا کرده، این روند متوقف می‌شود و اساسا کمکی هم به رشد اقتصاد نمی‌کند.

این کارشناس اقتصادی با بیان این‌که برای افزایش سرمایه گذاری باید افق روشنی وجود داشته باشد، در این اطمینان داریم که تقاضای واقعی در حال کاهش است و در سال آینده هم قدرت خرید مردم کاهش پیدا می‌کند، تاکید کرد: رشد ۴ درصدی اقتصاد در سال جاری علامت محسوسی نمی‌توانست داشته باشد چراکه اقتصاد در ایران در شرایط کرونا و قبل از کرونا هم شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران اعمال شد، بسیار کوچک شد و در دوران پسا کرونا تا حدودی این وضعیت



جبران شد و این ۴ درصد رشد حاصل این شرایط بوده و خیلی مهم نیست اما موضوع مهم این است که علایم مهم‌تر در اقتصاد دیده می‌شود که تورم و کاهش قدرت خرید از جمله این علایم مهم در اقتصاد هستند، این علایم بیشتر نشان دهنده رکود در اقتصاد هستند تا رشد.

وی گفت: از سوی دیگر این پیش‌بینی‌ها در اقتصاد باید از سوی نهاد و مجموعه‌ای مستقل از دولت انجام شود، برای مثال در آلمان ۵ انسیتیو اقتصادی وابسته به دانشگاه با ۵ مکتب مختلف اقتصادی برنامه دولت را مورد تحلیل قرار می‌دهند برای مثال یک انیستیو رشد اقتصاد را ۳٫۱ درصد و انیستوی دیگری ۳ درصد پیش‌بینی می کند و اختلاف این انیستیتوها از هم بسیار جزیی و نزدیک بهم است. حال این‌که در ایران هم باید مراکز مستقل مانند دانشگاه‌های معتبر اقتصادی، این قدرت را داشته باشند که اعداد و ارقام اقتصادی را بررسی و پیش‌بینی و ادعای دولت را تایید یا تکذیب کنند، البته به دولت هم کمک بزرگی خواهد شد.

عدالتیان با بیان این‌که واقعا در حال حاضر ارقام دقیقی در اقتصاد نداریم و کارشناسان نمی‌توانند بگویند که نرخ رشد اقتصادی ۷ درصدی قابل تحقق است یا نه اما می‌توان با رصد علایم موجود دیگر در اقتصاد شرایط آینده را پیش‌بینی کرد، ادامه داد: شاید برنامه دولت در نرخ رشد اقتصاد تا ۳ درصد محقق شود اما در نهایت نرخ ۷ درصد را اعلام کنند و این عدد از نظر روانی هم هیچ تاثیر بین مردم نخواهد داشت و مردم همان ۴ درصد محقق شده را هم احساس نکردند. اگر دولت می‌خواهد برنامه‌های اقتصادی محقق شود باید فضا و بستر آن را مهیا کنند تا برای مردم هم تغییرات محسوس باشد وگرنه نرخ ۷ درصد با ۸ درصد یا ۴ درصد تفاوتی نخواهد داشت.

ادعای سابقه اشتغال و احتساب سابقه بیمه‌ای، باید در شعب تأمین اجتماعی رسیدگی شود



محمد جواد بازدرهوا مدیر کل تامین اجتماعی استان بوشهر گفت: بر اساس قانون و آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در زمینه فرایند بررسی درخواست‌های ادعای سابقه بیمه‌شدگان، از کلیه مشمولان قانون تأمین‌اجتماعی، پیش از ارائه درخواست به دیوان عدالت اداری یا ثبت درخواست در مراجع حل اختلاف قانون کار، درخواست‌های خود در مورد سوابق بیمه‌پردازی را به کمیته‌های تخصصی بررسی سوابق شعب تأمین اجتماعی ارائه کنند.

به گزارش روابط‌عمومی اداره کل تأمین‌اجتماعی، محمد جواد بازدرهوا مدیر کل در پاسخ به این سوال که افرادی که مدعی اشتغال و احتساب سابقه بیمه‌ای هستند، آیا الزامی به مراجعه به مراجع حل اختلاف قانون دارند یا خیر پاسخ داد: بیمه‌شدگان در این زمینه الزامی ندارند و افرادی که مدعی اشتغال در کارگاه‌های مشمول قانون تأمین‌اجتماعی هستند ولی کارفرما حق بیمه دوران اشتغال ادعایی آنان را به تأمین‌اجتماعی پرداخت نکرده است، لازم نیست به ادارات کار مراجعه کنند و می‌توانند درخواست خود را همراه با مدارک و مستنداتی اعم از قرارداد کار، فیش حقوقی و مدارک مالی و دستمزدی که اثبات‌کننده رابطه اشتغال و به دریافت دستمزد است، مستقیماً به کمیته‌های ادعای اشتغال مستقر در شعب بیمه‌ای سازمان تأمین‌اجتماعی جهت طرح و بررسی در این کمیته‌ها ارائه کنند و ضرورتی ندارد بدواً به اداره کار مراجعه کنند.

کلاهبرداری اینترنتی با ارسال پیام مالیاتی به شهروندان بوشهری

رییس پلیس فتا استان بوشهر گفت: مجرمان سایبری با ارسال گسترده پیامک‌هایی با عنوان اخطاریه مالیاتی حاوی پیوندهای جعلی در بستر شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان، قصد کلاهبرداری از هم‌استانی‌ها را دارند.

به گزارش ایرنا، سرهنگ مهدی قاسمی در گفت‌وگو با خبرنگاران در بوشهر اظهار کرد: در چند روز اخیر دیده شده که مجرمان سایبری با ارسال گسترده پیامک‌هایی با عنوان اخطاریه مالیاتی اداره امور مالیاتی کشور حاوی پیوندهای جعلی در بستر شبکه‌های اجتماعی و پیام رسان، قصد کلاهبرداری از هم‌استانی‌ها را داشته‌اند.

وی افزود: کاربران پس از دریافت پیامک و ورود به پیوند جعلی، صفحه‌ای مشابه درگاه خدمات الکترونیک سازمان امور مالیاتی کشور را می‌بینند و سپس دعوت به نصب برنامه مخرب و در ادامه برای مشاهده اوراق اخطاریه به یک درگاه پرداخت اینترنتی بانکی غیرواقعی هدایت می‌شوند.

رییس پلیس فتا استان بوشهر تصریح کرد: در نهایت اطلاعات حساب بانکی مردم و در برخی موارد کل اطلاعات ذخیره شده تجهیزات هوشمند همراه آنها برای سوءاستفاده‌های مجرمانه در اختیار کلاهبرداران قرار می‌گیرد.

قاسمی عنوان کرد: ارسال پیامک‌های مشابه با سرشماره شخصی فقط با اهداف مجرمانه است.

وی به مردم توصیه کرد: از ورود به پیوندهای جانمایی شده در این پیامک‌های جعلی و نصب برنامه معرفی شده که بدافزار است خودداری و دقت کنند که مودیان می‌بایست اقدامات خود را فقط از طریق درگاه ملی خدمات الکترونیک سازمان امور مالیاتی کشور در کارپوشه خود به آدرس my.tax.gov.ir انجام دهند.

جدال و همزیستی قدیم و جدید

عبدالخالق ماجدی



چند سال پیش در هفته پژوهش در یکی از جلسه‌های دانشگاه خلیج‌فارس با یکی از اساتید تاریخ دانشگاه پیرامون سنت و تجدد، در حضور دانشجویان مباحثه و دقیق‌تر این‌که مجادله کردم. در آن جلسه استاد تاریخ، سنت و تجدد را قابل جمع نمی‌دانست و سنت را "مانع" زندگی مدرن می‌دانست ولی من بر این باور بودم و هستم که در کف جامعه و زندگی روزمره با یک پیوستگی و کلمه ای مناسب تر مانند "همبستگی" و "همزیستی" سنت و تجدد مواجهه‌ایم.

هانس بلومنبرگ(۱۹۹۶–۱۹۲۰) هم در کتاب "مشروعیت دوران مدرن" بر این باور است که بین جهان قدیم و جهان جدید "گسست" وجود دارد و اگر ما در جهان جدید، نمادهایی از جهان قدیم می‌بینیم به این علت است که پرسش‌های بی‌پاسخ جهان قدیم در جهان جدید هم حضور دارند و جهان جدید هم پاسخی تاکنون برای برخی از آن‌ها نداشته است و همچنین حضور واژگان و نمادهای سنت در دوران مدرن، دلیلی بر پیوستگی این دو جهان‌بینی نمی باشد. مجادله معروف و تاریخی کارل اشمیت(۱۹۸۵–۱۸۸۸) و کارل لوویت(۱۹۷۳–۱۸۹۷) به عنوان محافظه‌کاران سیاسی با هانس بلومنبرگ که مدعی مشروعیت دوران مدرن/جهان جدید بود در چارچوبی فلسفی مطرح شده بود ولی از دیدگاه و منظرگاه علوم اجتماعی؛ یعنی جامعه شناسی، روان شناسی و تاریخ، موضوع متفاوت است.

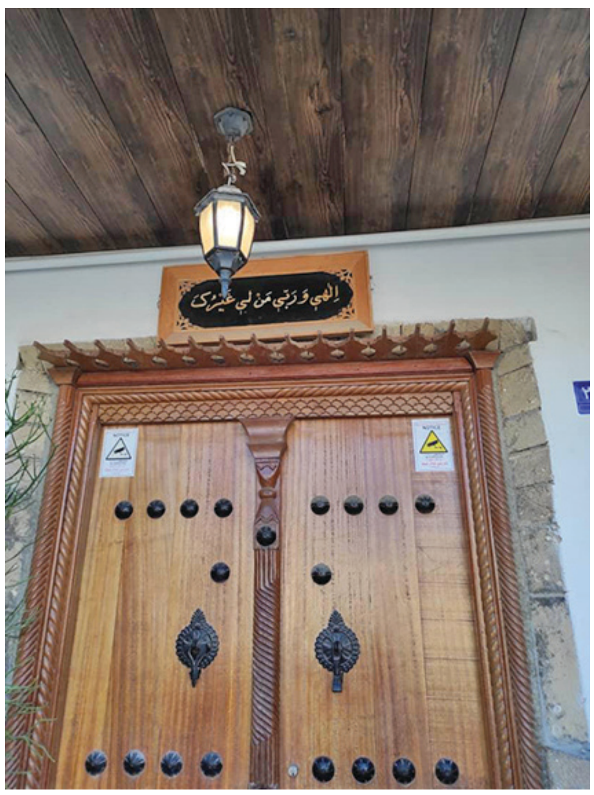
فلسفه بر پایه "ذهنیات" استدلال می‌کند ولی جامعه شناسی و روان‌شناسی بر اساس "عینیات" تبیین می‌کنند. هر دو رابطه متقابل و دیالکتیک میان ذهنیات و عینیات را قبول دارند ولی یکی با ذهن/ درونیات و دیگری با بیرونیات/عین/ شیء شروع می‌کند. البته شایان ذکر است که جامعه شناسی و روان شناسی خودشان هم تفاوت‌های مبنایی با یکدیگر دارند. روان شناسی با تمرکز با "فرد" می خواهد شناخت و آگاهی انسان را تصحیح و ترمیم کند تا روح و روانش را درمان کند ولی جامعه شناسی با تمرکز بر "جامعه" قصد دارد به انسان آگاهی بدهد که ریشه مشکلات او اجتماعی است و نه فردی.

یکی از مبانی روشی جامعه‌شناسی چگونگی "ساخت اجتماعی واقعیت‌ها" است. نوزاد پس از تولد، اولین شیءای را که می‌بیند مادرش است و به تدریج با دیگر اشیاء زندگی اش مثل پدر، خواهر و برادر و خانه آشنا می‌شود و آن‌ها را درونی می کند. اولین نهادی که انسان می‌شناسد نهاد اجتماعی‌ای بنام "خانواده" است و در مراحل بعدی با نهادهای دیگری مانند مدرسه، دانشگاه، دین، دولت و بازار آشنا می‌شود. تمام نهادهای اجتماعی دارای "سازمان اجتماعی" و "نماد" می‌باشند. واقعیت‌های اجتماعی برای هر فرد در هر مقطع سنی و بر اساس جغرافیا، موقعیت، زمینه و نقش اجتماعی که دارد توسط نمایندگان، مبلغان و نمادهای این سازمان‌های اجتماعی برساخته می‌شود.

این سازمان‌ها برای حفظ و تثبیت قلمرو نهادی خود دارای نظام تشویق و تنبیه می‌باشند و با این پاداش‌ها و مجازات‌ها از بیرون بر انسان یک سری باورها، اعتقادات، آرمان‌ها و ارزش‌ها "تحمیل" می کنند و بدین ترتیب در ادامه انسان خودش هم "حامل" این باورها و ارزش‌ها می‌شود.

زیگموند فروید این تحمیلات بیرونی را "سوپرایگو" نامید که در جدال و کشمکش‌هایش با غرایز و امیال(اید/Id) به مرور زمان "ایگو" را می‌سازند. جالب این است که همین تحمیلات بیرونی با درونی سازی/جامعه پذیری به غیر از انتقال به صورت فرهنگی در قالب نوشتن، گفتگو، مناسک و رسوم، به صورت میم‌های اجتماعی(social meme) از طریق وراثت هم قابل انتقال به نسل‌های بعدی می‌باشند.

کودک پای به دنیای واقعی و کوچه و خیابان که می گذارد نمادهای اجتماعی زیادی می‌بیند. برای نمونه شغل پدرش معلمی است و پدر نقشی اجتماعی برای نمادی مدرن به نام مدرسه بازی می کند. پدرش مبلغ/حامل/توجیه‌گر ارزش‌های سازمانی اجتماعی‌ای بنام آموزش و پرورش است یا این‌که شاید برادرش روحانی باشد و از نمادهای



دینی و سنتی مثل لباس روحانیت استفاده می کند و غروب‌ها به مسجد یا کنیسه و کلیسا؛ یک نماد و مکان مذهبی، برای اقامه نماز به عنوان یک آیین و مناسک مذهبی می‌رود.

نهادها و نمادهای اجتماعی دارای یک تاریخ پیچیده و البته انسانی هستند و در انتقال بین نسل‌ها تقویت یا تضعیف می‌شوند. در یکصدسال اخیر که ذیل پارادایم دولت– ملت نهادی به نام دولت مدرن برساخته شده است، تقویت و یا تضعیف نهادها و نمادهای اجتماعی با شدت و سرعت بیشتری انجام می شود. به طور مثال با روی کار آمدن اردوغان در ترکیه نهادهای مذهبی تقویت شده‌اند ولی بالعکس محمد بن سلمان در عربستان روند متفاوتی در پیش گرفته است. با افراط و تفریط و بی‌توجهی دولت‌ها به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی در خاورمیانه تاکنون با افزایش و رادیکال شدن تضادهای اجتماعی شاهد جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌های متعددی بوده‌ایم.

امیل دورکیم(۱۹۱۷–۱۸۵۸) جامعه شناس فرانسوی با شیء انگاری واقعیت‌های اجتماعی در تلاش بود که به سیستم‌های حکمرانی و دولت‌ها بفهماند که واقعیت‌های اجتماعی تغییر می کنند ولی نه آن گونه و آن سان و نه در جهتی که شما می خواهید. دولت ها می‌بایست از تحریک و مداخله در پدیده‌های اجتماعی و از "مهندسی جامعه" پرهیز کنند. دولت‌ها باید بتوانند متناسب با مطالبات، انتظارات، تحولات و تغییرات اجتماعی سیاست‌گذاری کنند و به "جامعه" توجه کنند چون‌که به قول ماکس وبر(۱۹۲۰–۱۸۶۴) در کتاب "مفاهیم اساسی جامعه شناسی" منبع "قدرت" دولت ها، مشروعیت و مقبولیت اجتماعی می‌باشد و دولت‌ها فقط نمایندگی ملت را برعهده دارند.

با دیدن یک آیه قرآنی و دوربین مدار بسته بالای درب ورودی یک ساختمان نوسازی شده در بافت قدیم بندر بوشهر به یاد مباحثه خودم در دانشگاه افتادم. حضور توامان آیه قرآنی به عنوان یک نماد مذهبی از جهان سنت در کنار یک دوربین مداربسته مدرن که محصول کشور کمونیستی چین می باشد، این موضوع به ذهن متبادر می‌شود که به نظر می‌رسد جهان‌بینی‌های مختلف در یک نقطه و به صورت هم‌زمان می‌توانند در کنار هم حضور داشته باشند و رابطه سنت/ تجدد نیازمند "واو" هست و نه "یا".

اگر براساس قاعده اصلی روش جامعه‌شناسی دورکیمی یعنی بستن دریچه ذهن و نگریستن محض به اشیاء در تصویر و محیط پیرامونی آن، موضوع را واکاوی کنیم، می‌بینیم که مسجد شیخ سعدون در بوشهر با قدمتی چندصدساله در فاصله چند ده متری این منزلگاه است. کنیسه یهودیان در همین کوچه قرار دارد و کلیسای ارامنه گریگوری در چند صدمتری آن واقع شده است که حکایت از همزیستی ادیان و مذاهب قدیم و جدید است. مدارس گلستان و سعادت بوشهر به عنوان محصول و نمادهای جهان جدید هم در همسایگی همین سه عبادتگاه به عنوان نمادهای جهان قدیم با هدف تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به سبک مدرن در همان نزدیکی واقع شده است. همزیستی و همبستگی نمادها و مظاهر جهان قدیم و جدید در همین فضای محدود بیانگر رواداری و مداراست که براساس "واو" برساخته شده‌اند و نه "یا". رسالت معلمی هم ایجاب می‌کند که در فضاهای آموزشی ما «واوها» را تدریس و نهادینه کنیم.

این نوشته قصد ندارد منکر جدال و تضادهای شدید اجتماعی گذار از قدیم به جدید بشود. نمی‌توان مرارت‌ها و سختی‌های میرزا حسن رشدیه به عنوان موسس مدارس نوین در ایران برای گذار از مکتب به مدرسه را نادیده گرفت. مقاومت جوامع محلی و سنتی با طرح واکسیناسیون بیماری‌های واگیر قابل کتمان نیست. دگراندیشان، پیش قراولان، منتقدان و ساختارشکنان به عنوان میانجی‌های اجتماعی در گذار از کهنه به نو در طول تاریخ بیشترین هزینه‌ها، صدمات و آسیب‌ها متحمل شدند و چه سرهایی که بر دار نرفت.

اگر در پایان بخواهم نوشته را که بر محوریت تکثر، تنوع، گوناگونی و همزیستی تفاوت‌ها در ساخت پدیده‌های اجتماعی تدوین شده است گشوده بگذارم تا «واوهای» دیگری هم اضافه شود این سوال اساسی جامعه شناختی مطرح می شود که اگر به نظریه "گسست" معتقد باشیم پس چرا گذار از جهان قدیم به جدید تمام نمی‌شود و هنوز شاهد نمادهای جهان قدیم در کنار تلسکوپ‌های هابل و جیمزوب هستیم؟

زندگی آگاهانه

چقدر خوبی کنیم؟

حسین زیرراهی – مدرس مهارت‌های زندگی



چه قدر به دیگران خوبی کنیم؟ خوبی کردن باعث موفقیت یا شکست ما می‌شود؟ اریک بارکر در کتاب "این راهش نیست" این موضوع را بررسی کرده و به نتایج جالبی رسیده است. پژوهشی در مورد این‌که کمک به دیگران چه سهمی در موفقیت افراد دارد مشخص کرده است کسانی که به دیگران بیشتر کمک می کنند (دهندگان) هم جزو موفق‌ها هستند و هم ناموفق‌ها. در عوض دو گروه دیگر یعنی افراد سازگار و گیرندگان در میانه جدول موفقیت قرار دارند. افراد سازگار کسانی هستند که سعی می کنند بین کمک کردن و کمک گرفتن از دیگران تعادل ایجاد کنند. گیرندگان هم به قول خودمانی فقط دست بگیر دارند.

گیرندگان در کوتاه مدت منافعی بدست می آورند ولی به دلیل این‌که به کسی لطفی نمی‌کنند و فقط می‌خواهند از دیگران استفاده کنند خیلی زود دست‌شان برای اطرافیان رو می‌شود و دیگر کسی تمایلی به همکاری یا دوستی با آن‌ها نخواهد داشت. بنابراین یا باید مرتب محیط خود را عوض کنند یا دور و بر افراددهنده باشند تا از لطف آنان استفاده کنند. افراد سازگار به چند دلیل جزو موفق‌ها نیستند. چون معمولا در نیکی پیش‌قدم نمی‌شوند شانس ایجاد ارتباط مخصوصا با افراد مثل خود را از دست می‌دهند. بخشی از وقت و انرژی‌شان هم صرف مجازات کردن گیرندگان می‌شود. حتی وظیفه اخلاقی خود می‌دانند که از دهندگان هم در مقابل گیرندگان محافظت کنند.

و اما گروه دهندگان معمولا در کوتاه مدت بیشتر ضرر می کنند. وقتی در یک محیط جدید قرار می گیرند ابتدا گروه گیرنده دور آن‌ها جمع می‌شوند و مقداری از آن‌ها سوءاستفاده می‌شود. ولی به مرور زمان به دلیل این‌که در مهربانی پیش‌قدم می‌شوند اکثریت آن محیط طرفدار آن‌ها شده و کسانی که محبتی از او دریافت کرده‌اند سعی می کنند آن را جبران کنند. البته این پاسخ از سمت‌دهندگان دیگر و افراد سازگار است. ضمنا همان‌طور که گفتیم افراد سازگار ارتش نامرئی آن‌ها شده و از منافع‌شان در مقابل گیرندگان دفاع می کنند. بنابراین خیلی نیاز نیست خودشان برای این موضوع وقت بگذارند. حال اگر دچار ازخودگذشتگی افراطی نباشند کم‌کم دیگر به گیرندگان هم توجهی نمی کنند.

نتیجه گیری. قانون اول: در محیط مناسب قرار بگیرید. وقتی در محیط جدیدی چه کاری و چه زندگی قرار می گیرید ببینید با چه آدم‌هایی قرار است تعامل داشته باشید. چون در نهایت شما شبیه آن‌ها می‌شوید نه آن‌ها شبیه شما. بنابراین اگر فرهنگ یک سازمان یا جامعه را نمی‌پسندید آن‌جا را ترک کنید. قانون دوم: در همکاری و مهربانی پیش‌قدم شوید. پیش‌قدم شدن باعث ایجاد حس عمل متقابل می‌شود. فرد روبرو خود را بدهکار شما می‌بیند و دوست دارد جبران کند. قانون سوم: از خودگذشتگی کاری احمقانه است نه خیرخواهانه. ضمن این که بخشندگی بیش از حد ممکن است شما را از پا در بیاورد. قانون چهارم: سخت کار کنید ولی اطمینان حاصل کنید کار شما دیده می‌شود. قانون پنجم: با دید بلندمدت به مسائل نگاه کنید. رفتار بد در کوتاه مدت قدرت زیادی دارد ولی با گذشت زمان این رفتار خوب است که پیروز می‌شود. قانون ششم: بخشنده باشید. بخشش گاه و بیگاه هم باعث ایجاد عمل متقابل می‌شود.



اسکندراحمدنیا

**سر از هیچ کوچه ای
اگر قرار بر این است
درنیاورد
در همین جای از مرگ
پیچیده تر
با سرعتی
که گرفته است
واشنگتن را
به جایی پرت
لوله شده
رها کرده است
از بچه های قرن به قرن زمین هم
پرسیده شود
تونل‌های تو در توی غزه را
بیست و چهار بار در هر ساعت**

**با انگشت های بریده شده
نشان خواهند داد**



امید غضنفر

**۱
موسیقی باران
در یک پسین پاییزی
نم نم نت ها
بر زمین بی چتر و بارانی
ارکستر باران را
رهبری می کند
باد**

**سویی
طبل را می کوبد
تندر**

**سویی
نور را می رقصاند**

**۲
آذرخش مهتابی
از آسمان
ملودی جاری ست
عشق هم که شعر بیاید
دیگر
ترانه باران ام
گوش کن!
از رج های اریب نم بار
ترنم کلاویه
با شور شوپن**

**۳
و سماع آرشه
در آیین کلهر**

**موسیقی باران
در یک شبانه ی پاییزی
و من
زیر زلال نت و واژه
برای هر آن
که دوست اش دارم
ترانه می شوم**

مصاحبه نشریه نسیم جنوب با حبیب فیوض مسئول گروه سایکل توریسم لیان و کلوپ گردشگری و دوچرخه‌سواری استان بوشهر :

گردشگران با دوچرخه، زیبایی‌ها را بیشتر می‌بینند

مصاحبه از احمد موسوی زاده



– ضمن معرفی خودتان از فعالیت‌های اخیر گروه سایکل توریسم لیان یک گزارش برای خوانندگان نسیم جنوب بفرمایید.

*درود به مردم شریف استان بوشهر و مخاطبین گرامی نشریه نسیم جنوب، حبیب فیوض هستم حدودا ۶ سال به صورت حرفه‌ای در رشته سایکل توریستی به همراه همسرم و جمعی از دوستان فعالیت مستمر دارم و تازگی این افتخار داشتم که از طرف کانون ملی جهانگردی و اتومبیل‌رانی به عنوان مسئول کلوپ گردشگری و دوچرخه‌سواری در استان بوشهر منصوب شده‌ام.

در مورد فعالیت‌های گروه سایکل توریسم لیان در سال ۱۴۰۲ جدا از تمرینات روتین گروه که دو روز در هفته هست و در کل سال بدون وقفه اجرا شده و می‌شود برنامه‌های مسافرتی متعدد داشتیم که به این شرح هستند: اولین رکاب زنی از شیراز تا سپیدان و اطراف سپیدان، دومین برنامه رکاب زنی از مرز رازی به سمت شهر وان کشور ترکیه و رکاب زنی دور دریاچه وان و سپس بازگشت به مرز رازی، سومین برنامه رکاب زنی از اردبیل تا رشت، چهارمین برنامه رکاب زنی از بوشهر تا شیراز که در آبان ماه اجرا شد و جا دارد در مورد سفر آخر از کلوپ سافاری استان فارس تشکر کنم که بخشی از مسیر تنگ ابوالحیات تا دشت ارژن گروه را اسکورت کردند.

همچنین به حضور در نمایشگاه ورزش و تندرستی در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی بوشهر اشاره کنم در آذر ماه نیز حضور مجدد در نمایشگاه گردشگری و هتل‌داری خواهیم داشت. به امید خدا تا پایان سال چند برنامه درون استانی و برون استانی تعیین شده که اجرا خواهیم کرد.

–کلوپ گردشگری را هم معرفی کنید.

* کانون جهانگردی و اتومبیلرانی در سال۱۳۱۴ تاسیس شد و ۳ سال پس از آن به عنوان چهارمین موسسه رسمی کشور با شماره ثبت ۴ می‌باشد و هرگونه وسایل نقلیه اعم از هوایی، زمینی، دریایی که مرتبط با گردشگری می‌باشد زیرمجموعه این کلوپ است. همچنین در زمینه‌های آموزش تخصصی از وسایل نقلیه گردشگری و دوچرخه سواری، صیانت از خودروهای تاریخی، صدور گواهینامه‌های بین‌المللی، پلاک های ترانزیت، تسهیل در عبور و مرور جهانگردی داخلی و خارجی فعالیت دارند.

– به نظر شما بوشهر چه پتانسیل و قابلیت‌هایی برای گردشگری دارد؟

*بوشهر به دلیل مجاورت با خلیج فارس و با پیشینه تاریخی و نقاط گردشگری بکر، همچنین ساحل‌های ماسه‌ای و مسیرهای زیبا دارای پتانسیل خیلی زیادی می‌باشد بخصوص که در فصل پاییز و زمستان که هوایی بسیار مطلوبی دارد می‌توان از این ظرفیت بی‌نظیر و جذاب استفاده و باعث رشد و رونق شهری شد.

– متناسب با این پتانسیل و قابلیت ها، امکانات گردشگری در بوشهر چگونه است؟

*علیرغم پتانسیل و ظرفیت بالای بوشهر در زمینه گردشگری و ایجاد فرصت‌های شغلی متنوعی که دارد، سرمایه گذاری و فعالیت مستمری که حاصلش پیشرفت شهری و رونق بازار باشد تا به حال آن‌طور که باید و شاید به طور جدی صورت نگرفته است.

– رویکرد و حمایت مسئولان استان و میراث فرهنگی از گردشگری را چگونه ارزیابی می کنید؟

*متاسفانه به دلیل نبود زیر ساخت‌های مناسب و افق‌های کوتاه و بلند مدت مناسب برای جذب گردشگر با توجه به ظرفیت و پتانسیل‌های موجود آن‌چنان که باید حمایت مفیدی که باعث رشد و شکوفایی باشد، انجام نشده است.

–گردشگرانی که با دوچرخه به بوشهر می‌آیند چه انتظاراتی دارند؟

*گردشگرانی که با دوچرخه به شهرها سفر می‌کنند با توجه به سرعتی که دارند زیبایی‌ها را بیشتر می‌بینند و با توجه به این‌که سایکل توریست‌ها با نگاه گردشگری و مکان‌های دیدنی و زیبایی‌های شهرها بین شهرها سفر می کنند باید زیر ساخت‌های مثل امکان کمپینگ‌های مناسب برای برپایی چادر در مکان‌های ساحلی که دارای حمام و سرویس بهداشتی و مناسب یا تخفیفات ویژه در هتل‌ها و رستوران‌ها، داشتن مسیرهای مختص دوچرخه‌سواری در کنار ساحل ایجاد شود که بتوان از این پتانسیلی از لحاظ آب و هوایی که استان بوشهر در ماه‌های پاییز و زمستانی دارد استفاده بیشتری شود.

– چه ویژگی‌هایی مردم بوشهر برای جذب گردشگری مفید است؟

*مردم بوشهر با توجه به مهربانی، خونگرمی و مهمان‌نوازی و برخوردهای مناسبی که تا به حال با سایکل توریست‌ها داشته‌اند، همیشه مورد توجه این قشر قرار گرفته‌اند و زبان زد عام و خاص بوده‌اند.

– چه ویژگی مردم بوشهر در مخالفت با جذب گردشگر است؟

*عموماً مردم بوشهر انسان‌هایی هستند بسیار میهمان نواز و به نظر بنده هیچ‌گاه مخالفتی یا سنگ‌اندازی با جذب گردشگر به واسطه ریشه فرهنگی غنی و آداب و معاشرت بالایی که دارند، مخالفتی با جذب گردشگر نداشته‌اند مگر این‌که خود گردشگر پا از گلیم خود درازتر کرده باشد.

–چه پیشنهاداتی برای رونق گردشگری در بوشهر دارید؟

*پیشنهادهایی به سازمان‌های مربوطه راجب به توسعه در زمینه گردشگری با دوچرخه داده شده است که زیرساخت‌های مهیا شود که بتوان از این پتانسیل استانی استفاده شود ولی برای به نتیجه رسیدن باید تمامی ارگان‌ها مانند راهنمایی رانندگی، شهرداری، اداره میراث فرهنگی، اداره محیط زیست و هیأت دوچرخه سواری و... دست به دست هم داده و با هم دلی و یک‌سویی، قدم مثبتی را برای این قشر بی توقع بردارند.

– سخن پایانی؟

*در پایان از مردم خونگرم استان بوشهر می‌خواهم که فرهنگ غنی خود را در برخورد با سایکل توریست‌هایی که در حین رکاب هستند به نمایش بگذارند و حتماً فاصله ایمنی را رعایت و از زدن بوق‌های ممتد، ترمزهای بی‌دلیل در مواجه با سایکل توریست‌ها خودداری کنند. احترام به حقوق این هم‌رکابان باعث ایجاد آرامش این عزیزان باشند. ممنون از نشریه نسیم جنوب که این مجال رو فراهم کرد تا سایکل توریسم را به مردم شریف استان بوشهر معرفی کنم.

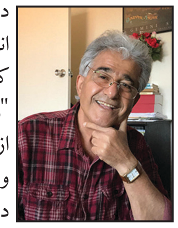


علیرغم پتانسیل و ظرفیت بالای بوشهر در زمینه گردشگری و ایجاد فرصت‌های شغلی متنوعی که دارد، سرمایه گذاری و فعالیت مستمری که حاصلش پیشرفت شهری و رونق بازار باشد تا به حال آن‌طور که باید و شاید به طور جدی صورت نگرفته است

بوشهر صنعت گردشگری را جلوتر از دوبی آغاز کرد

در صنعت گردشگری، باید چراغ قرمز «شادی ممنوع» خاموش شود

دکتر محمود دهقانی - استرالیا



در روزگار پیش از انقلاب و با خریدن کشتی‌های تفریحی "رافائل" و "میکل آنژ" از ایتالیا قرار بود وزیران و دست اندرکاران دولت امیرعباس هویدا نخست وزیر پیشین، دست از آبادانی بیشتر شمال سرسبز بردارند و در جنوب بندرهای نخودی رنگی چون بوشهر را از اندوه جانکاهی که حتا در درازنای تاریخ جگر فایز دشتستانی را نیز سوزاند، به گلستان سعدی شیراز تبدیل کنند. بنابراین ایتالیایی‌ها با زد و بندهایی برای دیر کرد پرداخت وام خود از ایران، رافائل و میکل آنژ را که همچون عروس زیبا بودند، به ایران فروختند. پیش از آن کشورهای دیگر در خواست خرید این دو کشتی را داده بودند اما دولت ایتالیا موافقت نکرد و بدنبال آن برای گرفتن وام‌های بیشتر از ایران کشتی عروس آسای رافائل را به حجله بوشهر و میکل آنژ را به حجله بندرعباس فرستادند. نگارنده در همان روزگار به دلیل نزدیک بودن به سن سربازی قاچاقی از دوبی که در آن‌جا دانش‌آموز مدرسه بودم، با لنج به ایران آمدم تا پس از دیدار خانواده باز هم قاچاقی از بندر دیر بوشهر به دوبی برگردم. در همان سفر با یکی از بستگان که در نیروی دریایی بوشهر بود و پس از انقلاب سر مکانیک کشتی "سومار" شد، به درون کشتی رافائل رفتیم و در رستوران زیبا که بر دیوارهای آن تابلوهای هنری بی‌همتای هنرمندان پر آوازه ی ایتالیایی نصب بود، شام خوردیم. در روزگار نوجوانی بر این باور بودم که بوشهر از دوبی پیشرفته‌تر می‌شود چرا که نشانه‌ها، گویای آن اندیشه بود.

با سر برون آوردن اعتراض‌های مردمی، در روزهای نخست راهپیمایی که به انقلاب بهمن ۱۳۵۷ انجامید برخی از فرصت‌طلبان به کشتی رافائل یورش بردند. بهانه‌شان آن بود که آن کشتی شادی‌زا، گناه تولید می‌کند. پس از آن نیز با موشک دشمن در جنگ هشت ساله عراق روزگار صدام با ایران، عروس ایتالیایی در حجله بوشهر تیر خورد و در آغوش غوک‌های ساحل در لای جلبک‌ها، در گورستان تاریخ فرو خفت. کشتی «میکل آنژ» اما کمی سرنوشت بهتری داشت و مهندسان نظامی ایران از ابزار یدکی آن در کشتی‌های رزمی استفاده کردند.

هر چند پیش از انقلاب در آبخوست کیش استان هرمزگان صنعت گردشگری توانست پول‌هایی را از سوی سرمایه‌داران آن سوی شاخاب پارس با داشتن کازینو، به ایران سرازیر کند اما ره به جایی نبرد چرا که وزیران دولت پیش از انقلاب، ساز را از دهانه گشاد آن به دست گرفته بودند. این ندانم کاری‌ها در درازنای تاریخ و تا به امروز ادامه دارد و ما مردم از آن ها درس نمی گیریم.

شهروندان ایرانی در روزگار امروز نیز انگشت به دهان مانده که مگر شادی چیست که در همین آبخوست کیش، دختران دانش‌آموخته دانشگاه شریف این آبخوست را به جرم جشن پایان دانش‌آموختگی خود آن‌چنان تهدید می‌کنند که رئیس دانشگاه از ترس فوری استعفای خود را می‌نویسد؟

اکنون پرسش این است که شادی برای گردشگر ایرانی خفه شده در زیر آوار زندگی سخت و حوصله سوز گرانی، باید چگونه باشد؟ گناه دختر ایرانی دانشگاه شریف کیش چیست که نمی‌تواند در جشن پله‌ی پیروزی نخست علمی، برای دل خودش در آبخوست شاخاب پارس کشورش به جای مویه و ماتم، شاد باشد. بگوید، بخندد و سرود بخواند؟ آیا این دنباله همان اندیشه فرصت‌طلبی یورش سال‌های اعتراض پیش از انقلاب بهمن به کشتی "رافائل" نیست؟



برخی در باره شادی دختران دانشجو، این پروین‌های اعتصامی، مریم‌های میرزاخانی، یوتاب ها و گردآفرین های تاریخ این سرزمین کهنسال، قلم از غلاف بیرون کشیدند و از هنجار شکنی دختران دانشجوی پردیس کیش نوشتند. چرا پس از ۴۳ سال پیروزی انقلاب به دنبال واژه‌های یک شاهی صنار هستید. پردیس کیش و دانشجویان دختر و پسر آن، بخشی از دانشگاه شریف هستند که نخبگان ایران را پرورش داده است. می‌خواهید با این دلسوزی قرون وسطایی با نام بین‌المللی این دانشگاه در مجامع دانشگاهی جهان بازی کنید، خنده دانشجویان را تحریم کنید، آن ها را به خارج کوچ دهید و نخبگان را بتارانید؟!

انسان برای خستگی کار و درد و بیماری است که به شادی و خنده و آواز نیاز پیدا می کند و به گردشگری می پردازد. مگر درد صوفیان را از فرزانه‌ی تاریخ نشنیدید که با رقص شاد می‌خواندند «خر برفت و خر برفت و خر برفت؟» در درازنای تاریخ برخی از شاهان اروپا با گردش، خشم را فرو می‌نشاندند. شاه عباس یکم پنجمین شاه با نبوغ صفوی در ایران برای دوری از خشم و رنج به سفر می رفت. باغشاه اشرف شهر کنونی بهشهر مازندران را شاه عباس در دهکده "خرگوران" برای همین منظور شالوده‌ریزی کرد. با صدها شمع، شب باغ را زیبا کردند و شاه و مهمانان در زیر نور کمرنگ نارنجی با صدای شُرشُر آب فواره‌ها به گفتگو و شنیدن ساز و آواز می‌پرداختند.

بنابراین گردشگری داروی بیماری است و محیط گردشگری، برای خنده دختران است، برای سرو قد رعنای جوانان پسر است.

شادی در هیچ دین و آئینی تحریم نشده است. گردشگری، صنعتی است که با دوری گزینی از اندوه، روستا را به شهری چراغانی تبدیل می‌کند. صنعت گردشگری چاه نفت آینده کشورهای جهان است. در صنعت گردشگری شادی و ابزار خنده و نشاط قرار دارد. در کشورهای جهان امروز، تکیه بر صنعت گردشگری است اما در ایران همین که از این صنعت حرفی به میان می آید عربده‌های دروغین افراط‌گرایان بلند می‌شود. باید به یاد داشت عناصری حتا در صنعت گردشگری ایران هستند که به این شوربختی‌ها دامن می‌زنند تا گردشگر غمزده ایرانی را برای شادی و خنده، راهی کشورهای همسایه کنند. منفعت آن‌ها در این کار به گونه نامرئی است. مزد آن‌ها از صنعت گردشگری خارج تامین می شود.

در روزگار دانشجویی در مرکز شهر سیدنی بودم. دسته‌ای از دختران و پسران همان دانشگاهی که در آن درس می‌خواندم در جشن فارغ التحصیلی در "تاون هال" مرکز شهرِ ۷ میلیون جمعیتی بندر سیدنی چنان قشقرقی به پا کرده بودند که به دلیل ازدحام اتومبیل و ترافیک و ترس از تصادف، پلیس‌های شهر هم که از خنده ریسه رفته بودند فوری وارد عمل شدند و دانشجویان را پراکنده کردند. تکیه امروز همه دولت های کشورهای جهان از شاه و رعیت بر صنعت گردشگری است. دولت اسپانیا با رقص و گتیار "فلامنکو" میلیون‌ها یورو به خزانه کشور واریز می‌کند. شاه و همسرش می‌آیند و روی جعبه‌ای در جمع شاد مردم می‌نشینند و با جعبه تنبک می‌زنند. صنعت گردشگری کشور استرالیا با رقص بومیان "ابوریجینال" و موسیقی ساز "دیجریدو" شادی برای گردشگر فراهم می‌کند. کشتی‌های غول پیکر با همه تسهیلات تفریحی که دارد، برنامه موسیقی، آواز، خوراک و نشاط راه اندازی می‌کنند. میان برنامه‌ریزان مسابقه شادی‌آفرینی برقرار است و دولت پشتیبان آنهاست. چون دولت



می‌داند صنعت گردشگری، گنجینه شمش‌های طلا است.

بوشهر شهری که شهروندان آن برای نوزادان دختر خود نام زیبای تاریخی "لیان" بر می‌گزینند، نباید تهی از شادی باشد. نباید در میان بندرهای آباد و شاداب آن سوی شاخاب پارس دژم و غمگین رها شود. این مردم به شادی نیاز دارند. صنعت گردشگری آن را گسترش دهید. بوشهر روزگاری بندری پر رونق بود. در این بندر، کشورهای مطرح آن روزگار کنسولگری داشتند. شمار کنسولگری‌های بوشهر بیش از شهرهایی چون دوبی، دوحه و کویت بود.

شوربختانه دست‌هایی در صنعت گردشگری ایران در کار است تا مردم را برای شادی درمانی روانه کشورهای پیرامون کنند. بر دولت‌هاست که این دست‌ها را بر سر مردم نجیب این سرزمین کوتاه کنند. صنعت گردشگری ایران به یک دگرگونی ریشه‌ای نیاز دارد. صنعتی که در آن نباید چراغ قرمز «شادی ممنوع»، روشن باشد و از سویی ولنگاری نیز جایی نداشته باشد.

تداوم فرهنگ ایرانیان در خلیج‌فارس

مجتبی محمدی - کارشناس میراث فرهنگی استان بوشهر



خلیج‌فارس همواره نقش مهم و تأثیرگذاری در تاریخ ایران داشته است. به دلیل قرن ها سیطره و نفوذ ایران در این منطقه فرهنگ ایرانیان در هر دو کرانه شمالی و جنوبی تداوم داشت. نفوذ فرهنگ ایرانی در لایه لایه زندگی مردمان ساحل‌نشین خلیج فارس در هم تنیده شده بود. فرهنگ دریانوردی، صیادی، تجارت، تعاملات فرهنگی و بین المللی و تسامح‌طلبی از این جمله اند. اما به راستی علل اصلی تداوم فرهنگ ایرانیان در خلیج فارس چه بوده است؟ بررسی اسناد و منابع تاریخی نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانیان پس از سلطه کامل امپراتوری پارسی‌ها بر فلات مرکزی ایران و منطقه بین‌النهرین فرهنگ غالب و رایج در کرانه‌های خلیج فارس بوده است کما این که قبل از ایرانیان فرهنگ حکومت های مستقر در بین النهرین به مانند سومر ، آشور و بابل نیز در کرانه‌های خلیج فارس رایج بود. اما با سلطه کامل ایرانیان بر مناطق غربی خاورمیانه امروز و بخش های زیادی از آسیای مرکزی،آسیای میانه، آسیای صغیر، کاپادوکیه، فینیقیه و برای مدتی یونان آن زمان طبیعتاً خلیج فارس نیز به مرکز عمده فرهنگ ایرانیان در کرانه‌های جنوبی امپراتوری پارس تبدیل گردید. نقش مواصلاتی خلیج فارس با تکیه بر بنادر و جزایر گوناگون آن در اقتصاد امپراتوری‌های گوناگون پارسی بسیار بسیار مهم بود. هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان هر کدام بنا بر شرایط و اقتضاعات زمانی به خلیج فارس توجه نمودند. توجه به خلیج‌فارس منجر به ایجاد فرهنگ خاص به محوریت اندیشه ایرانشهری گردید.

بنادر و جزایر خلیج فارس به گونه ای با فرهنگ ایرانیان عجین شده بودند که فنون مرتبط با زندگی و زیست اجتماعی مردمان ساحل‌نشین اعم از صید و صیادی، فنون دریانوردی، اسامی بنادر و کرانه‌ها در بیشتر مکان‌ها برگرفته از نام‌های ایرانی است. به عنوان مثال کلمه افلاج که در عمان رایج شد برگرفته از همان قنات ایرانیان است که توسط حکام ایرانی برای سالیان متوالی در عمان و بنادر آن رایج بود و یا کلمه «بار» نیز یک کلمه ایرانی است که ایرانیان در عرصه دریا و دریانوردی به برخی از مناطق و بنادر داده اند. به مانند «مالابار»، «زنگبار» و غیره. بررسی‌های صورت گرفته نشان از تأثیر عمیق فرهنگ ایرانی در خلیج‌فارس است. عنصر ایرانی و فرهنگ برخواسته از سالها حکمرانی و زندگی اجتماعی در سواحل و کرانه ها به گونه ای بود که با سقوط ساسانیان و ورود اسلام به ایران بنادر و کرانه‌های خلیج‌فارس با پذیرش گفتمان و فرهنگ نوین اسلامی با تلفیق این فرهنگ با فرهنگ ایرانی نقش موثری در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا نمود. در دو قرن نخستین اسلامی فرهنگ ایرانی دست برتر را داشت بطوری که مناطق و کرانه‌های خلیج‌فارس تبدیل به پناهگاهی برای مخالفین خلفای اسلامی شده بود. کرانه‌های مکران و بنادر مسقط در عمان مکان مطمئنی برای گروه زیادی از خوارج به ویژه خوارج اباطیه شده بود و یا در بنادر شمالی بوشهر به مانند جنابه یا گناوه امروز دامنه شورش صاحب‌الزنج یا قیام بردگان بر علیه خلفای عباسی به این بنادر ایرانی کشانده شده بود که حرکتی بر علیه استبداد حکام عباسی بود. با روی کار آمدن حکومت‌هایی به مانند آل بویه که دامنه قدرت آنان در عصر عضدالدوله دیلمی تا خلیج‌فارس و سیراف هم کشانده شده بود بنادر و کرانه های شاخابه پارس نقش مهم و تأثیرگذاری در رونق و شکوفایی تمدن اسلامی ایفا نمودند. وابستگی نهاد خلافت در بغداد به دریانوردی ایرانیان و انتقال کالا و فرهنگ حاصل از آن نیز در نوع خود جالب توجه است. مهمترین کالا ابریشم و یاقوت و مرواریدهای درخشان بود که از خلیج فارس، سیراف و بنادر مسقط و عمان حاصل می‌شد و از طریق بندر بصره که جایگزین ابله تاریخی شده بود به بغداد مرکز خلافت ارسال می شد. بنابراین پایایی و پویایی فرهنگ ایرانیان در خلیج‌فارس نقش مهمی در انتقال این فرهنگ و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در فاصله قرون نخستین تا میانه اسلامی داشته است. قابل ذکر است که تداوم فرهنگ ایرانیان در سده‌های بعد نیز در کنار همزیستی با فرهنگ سایر اقوام در کرانه های خلیج‌فارس تداوم داشته است.

متخصص بیماری‌های اعصاب و روان :

آگاهی مردم در مورد اختلالات روان پزشکی نیازمند افزایش است

متخصص بیماری‌های اعصاب و روان بیمارستان شهید گنجی برازجان گفت: باتوجه به مطالعات انجام گرفته در کشور، به نظر می‌رسد که میزان شیوع اختلالات روان‌پزشکی به‌صورت نگران‌کننده رو به افزایش است برهمین اساس آگاهی مردم در مورد این بیماری باید افزایش یابد.

به گزارش ایرنا "فرزانه بابا علی" در جلسه آموزشی کارشناسان سلامت شبکه‌های بهداشت و درمان استان بوشهر در برازجان اظهار کرد: علی‌رغم افزایش شیوع اختلالات روان‌پزشکی، این بیماری‌ها در بیشتر کشورهای دنیا و از جمله ایران، مورد غفلت قرار گرفته است که یکی از دلایل آن، انگ اجتماعی این اختلالات است.

وی با بیان این‌که، یکی از راه‌های کاهش انگ بیماری‌های روان‌پزشکی، عادی‌سازی آن است، افزود: از بهورزان، مراقبین سلامت و کارشناسان روان انتظار می‌رود با آموزش‌های گوناگون و بیان اطلاعات مفید، آگاهی مردم را در زمینه اختلالات روان‌پزشکی افزایش دهند.

بابا علی یادآور شد: سلامت جسم و روح برابرند و بر یکدیگر اثر مستقیم دارند به طوری‌که بیماری‌های روان‌پزشکی، همانند بیماری‌های جسمی (فشارخون، دیابت) است و نیاز به پیگیری و مراجعه به پزشک دارد.

متخصص بیماری‌های اعصاب و روان بیمارستان شهید گنجی برازجان ادامه داد: یکی از اختلالات شایع و رو به افزایش روان‌پزشکی خودکشی است که پدیده‌ای پیچیده و بحران محور است و علل مختلف و به‌تبع آن راه‌حل‌های مختلفی دارد.

باباعلی با اشاره به این‌که اختلالات روان پزشکی قابل پیشگیری است به‌طورکلی مراجعه به‌موقع به پزشک، استفاده از میوه‌ها و سبزیجات تازه، عدم استفاده از فست فود، رعایت بهداشت خواب، ورزش منظم، محدودیت استفاده از فضای مجازی در پیشگیری از این اختلالات کمک کننده است.

نخستین کلینیک توانبخشی گفتاردرمانی در گناوه گشایش یافت

نخستین کلینیک توانبخشی گفتار و کار درمانی (حامی) شمال استان بوشهر در بندرگناوه گشایش یافت.

مدیر کلینیک توانبخشی گفتار و کار درمانی شمال حامی در حاشیه آیین افتتاحیه این مرکز در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: این مرکز که با مجوز سازمان نظام پزشکی و دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر راه اندازی شده است.

وی افزود: این مرکز مختص به قشری خاص نیست و برای هر قشری از جامعه که دچار مشکل جسمی و حرکتی و ذهنی باشند، خدمات ارائه می‌دهد.

"زینب آل‌غفور" تصریح کرد: در کنار پرداختن به گفتار و کاردرمانی، خدمات روان شناسی کودک، بازی و رفتار درمانی و مشاوره به پذیرش شوندگان داده می شود.

وی گفت: کسانی که بعد از تولد و یا افرادی که دچار حادثه‌ای نظیر تصادف، ضربه مغزی، سکته و دارای بیماری‌های خاص نظیر ام اس باشند، می‌توانند با مراجعه به این مرکز خدمات توانبخشی دریافت کنند.

مدیر این مرکز یادآور شد: با راه‌اندازی این مرکز، خانواده‌های نیازمند برای دریافت خدمات توانبخشی نیاز به عزیمت به شهرهای برخوردار ندارند.

چند نکته در مراقبت کبد

دکتر سیروس عباسی



– فلوشیپ فوق تخصصی جراحی کبد، پانکراس و صفراوی دانشگاه کره - سئول - جمهوری کره جنوبی؛ فلوی جراحی پیوند کبد دانشگاه باغچه شهیر ترکیه

در قاره امریکا و بسیاری کشورهای دنیا «ماه اکتبر»«ماه کبد» است. «افزایش آگاهی‌سازی و کار رسانه ای» برای «شناخت عمومی کبد و ارتقا خودمراقبتی و مراقبت از «کبد» هدف نامگذاری ماه اکتبر به عنوان ماه کبد در عرصه بهداشت عمومی است.

کبد دومین اندام بزرگ بدن ماست. بزرگ‌ترین ارگان درون‌شکمی است. کبد نقش مهمی در سیستم گوارش دارد. کبد یا همان جگر، پرکارترین ارگان بدن است و حتی در هنگام خواب کامل هم از پیچیدگی و تراکم کارهایش کم نمی‌شود. تا همین امروز بیش از سیصد عملکرد پیچیده در گوارش، خون، سم شناسی، ایمنی بدن، ترمیمی، نورون شناسی، تعادل و تمرکز و خواب و بیداری و ... مربوط به کبد شناسایی شده اند.

پردازش هر چیزی که می خوریم و می نوشیم، از جمله داروهای‌مان و همچنین مدیریت قند خون، حذف ترکیبات سمی و خطرناک از بدن، کنترل سطح کلسترول، مدیریت پسماندهای سلولزهای خونی؛کمک به لخته شدن خون و مبارزه با عفونت ها بر عهده کبد است. به نوعی خوراک سلولی سرتاسر بدن با مدیریت کبد تامین می‌شود. هر ماده غذایی که می‌خوریم و جذب خون می‌شود ابتدا از طریق سیستم خونرسانی پورتال وارد کبد می‌شود. یا ذخیره و یا در بدن پخش می‌شوند یا دفع می‌شوند.کبد سنسور بدن است در حوزه خوراکی ها. این‌ها و ده‌ها عملکرد حیاتی دیگر؛ کبد را به ارگان حیاتی بدن تبدیل می کند. البته به همان دلایل، بیماری های کبد هم بسیار متنوع و گسترده هستند.

بیماری‌های کبدی دو نوع عمده دارند: حاد و مزمن.

هپاتیت حاد ویروسی، دارویی، هپاتیت ناشی کبدچرب و هپاتیت الکلی؛ مسمومیت کبد، ... نارسایی حاد کبد؛ تروما و پارگی های کیست، عفونتهای انگلی و میکروبی، سرطان کبد ... هپاتیت‌های ویروسی و بیماری‌های پیشرفته صفراوی دو نوع مهم حاد هستند. هپاتیت می‌تواند مزمن شود. هپاتیت مزمن با یک پاسخ التهابی خفیف مشخص می شود که بیش از شش ماه طول می کشد. سیروز همان نارسایی مزمن کبد است. سرطان کبد زمانی می‌تواند رشد کند که بدن قادر به ترمیم سلول های کبدی (سلول های کبد) که در اثر التهاب از بین رفته اند، نباشد. شایع‌ترین عوامل خطر برای سرطان کبد عفونت مزمن (طولانی مدت) با ویروس هپاتیت B (HBV) یا ویروس هپاتیت C (HCV)، دیابت، برخی بیماری های ارثی کبد، دیابت، بیماری کبد چرب غیرالکلی، قرار گرفتن در معرض آفلاتوکسین، و مصرف بیش از حد الکل. این‌ها منجر به سیروز کبدی می‌شود.

–یک عامل مهم سرطان اولیه در کبد قارچ و سم افلاتوکسین است. در مورد این قارچ و سم سرطانزا و بیماری‌زای آن بیشتر مطالعه کنید. عمده منبع این قارچ غلات و خشکبار انبارشده در محیط نامناسب است.

تعدادی از علائم و نشانه‌های رایج سرطان کبد عبارتند از کاهش وزن، کاهش اشتها، درد و تورم بالای شکم، تهوع/استفراغ، تغییر رنگ پوست و سفیدی چشم به زردی. تغییر رنگ مدفوع به سفیدی در موارد بیماری‌های انسدادی صفراوی

–حفظ وزن بدن - چاقی، به ویژه چاقی شکمی یا مرکزی، یکی از علل اصلی بیماری کبد چرب است. وزن سالم را می توان با یک رژیم غذایی متعادل و ورزش مکرر به دست آورد و حفظ کرد. در صورت پیشرفت کبد چرب می‌تواند موجب بیماری و نارسایی کبد شود .

– سبزیجات سبز بیشتری بخورید - همیشه برای کبد شما خوب است که سبزیجات سبزتر را در بشقاب شما مصرف کند. مواد شیمیایی پاک‌کننده موجود در این سبزیجات به پاکسازی طبیعی کبد شما کمک می کند. کلم بروکلی و کلم بروکسل سرشار از سبزیجات چلیپایی هستند که به تقویت آنزیم‌های سم‌زدایی طبیعی کبد، محافظت از آن در برابر آسیب و بهبود سطح آنزیم‌های کبدی در خون کمک می‌کنند.

البته شستن و ضدعفونی کامل سبزیجات یک ضرورت است برای پیشگیری از انواع بیماری‌های انگلی و عفونی بدن و کبد. انگل کیست هیداتیک کبد که در ایران هم شایع است از طریق سبزیجات آلوده به تخم انگل وارد بدن و سپس کبد و سایر اعضا می‌شود.

–از رژیم غذایی غنی از ویتامین C استفاده کنید - مرکبات، از جمله لیمو و پرتقال، سرشار از ویتامین C هستند که به ایجاد مواد سمی و بهبود کبد چرب کمک می کنند. این مواد مغذی به تولید انرژی، سم زدایی کبد و کاهش التهاب کمک می‌کنند. گریپ فروت سرشار از ویتامین C، اسید فولیک، اسید فنولیک، پتاسیم، کلسیم، آهن و آنتی‌اکسیدان است.

– مصرف گوشت قرمز کمتر و جایگزینی با گوشت سفید و پروتئین های گیاهی مانند قارچ، کینوا، جلبک خوراکی.

– در دنیا از مهمترین علل بیماری و سرطان و نارسایی کبد مصرف الکل و نوشیدنی های الکلی به صورت مستمر است. بسیار محتاط باشید و از مصرف نوشیدنی‌های الکلی بپرهیزید.

–دود تنباکو، توتون و سیگار به طور غیرمستقیم با ایجاد تغییرات التهابی می‌توانند کبد را مستعد بروز سرطان و نارسایی کنند. در مصرف هر نوع دخانیات پرهیز کنید.

خود را در برابر هپاتیت B واکسینه کنید - با تزریق واکسن هپاتیت B، می توانید خطر ابتلا به این بیماری را کاهش دهید. این واکسن تقریباً برای همه از جمله نوزادان، افراد مسن و افرادی که سیستم ایمنی ضعیفی دارند بی خطر است.

چند ماده غذایی برای حفظ سلامت اندام در این جا ذکر می‌شود:

*آب بنوشید. آب این مایه و مایع حیات بخش ماده سلامتی بخش و بسیار ارزشمند است. کبد نیز مانند تمام اعضا بدن برای سالم بودن و عملکرد خود به آب نیاز دارد.

افراد سالم بایستی در شبانه روز حداقل ۸ تا ۱۰ لیوان آب آشامیدنی بنوشند.

*قهوه

قهوه برای تقویت سلامت کبد مفید است. مطالعات نشان داده اند که نوشیدن قهوه خطر ابتلا به بیماری های کبدی مانند سیروز یا آسیب دائمی کبد را کاهش می دهد. به نظر می رسد این فواید از توانایی آن در جلوگیری از تجمع چربی و کلاژن، دو مورد از نشانگرهای اصلی بیماری کبد، ناشی می شود. قهوه همچنین التهاب را کاهش می‌دهد و سطح آنتی اکسیدان گلوتاتیون را افزایش می دهد. آنتی اکسیدان ها رادیکال های آزاد مضر را که به طور طبیعی در بدن تولید می شوند و می توانند به سلول ها آسیب برسانند، خنثی می کنند.

*چای سبز

نوشیدن چای سبز، که سرشار از آنتی اکسیدان است، سطح آنزیم کبدی را بهبود می بخشد و همچنین ممکن است به کاهش استرس اکسیداتیو و رسوب چربی در کبد کمک کند. یک مطالعه بر روی موش ها نشان داد که عصاره چای سیاه بسیاری از اثرات منفی رژیم غذایی پرچرب را بر روی کبد معکوس می کند و همچنین نشانگرهای خونی سلامت کبد را بهبود می بخشد.

خوراکی‌های مفیدی مانند دارچین، بابونه، زردچوبه، ... برای کبد سودمندند.

*انگور

انگور، به ویژه انگور قرمز و بنفش، حاوی انواع ترکیبات گیاهی مفید است. معروف‌ترین آن‌ها رزوراترول است که دارای تعدادی فواید سلامتی است. بسیاری از مطالعات حیوانی نشان داده اند که انگور و آب انگور می توانند برای کبد مفید باشند. مطالعات نشان داده‌اند که آن‌ها می‌توانند فواید مختلفی از جمله کاهش التهاب، جلوگیری از آسیب و افزایش سطح آنتی اکسیدان داشته باشند. همچنین روغن هسته انگور یک روغن مفید برای مصرف است که فواید بسیاری برای کبد و عروق دارد.

*چغندر یا لبو

آب چغندر منبع نیترات و آنتی اکسیدان هایی به نام بتالین است که ممکن است برای سلامت قلب و کبد مفید باشد و آسیب اکسیداتیو و التهاب را کاهش دهد.

*آجیل ها

آجیل سرشار از چربی، مواد مغذی مانند آنتی اکسیدان ویتامین E و ترکیبات گیاهی مفید است. این ترکیب مسئول چندین فواید سلامتی، به ویژه برای سلامت قلب، و همچنین به طور بالقوه برای کبد است. البته برای تهیه آجیل و خشکبار و نگهداری آن بسیار دقت کنید .

آجیل ها و پسته اگر در اثر کپک یا قارچ افلاتوکسین آلوده باشد می‌تواند منشا بیماری کبد باشد. افلاتوکسین ماده آلاینده بدن که می‌تواند برای کبد خطرناک باشد. مواد غذایی دام‌ها هم ممکن است آلوده به افلاتوکسین شوند. بدین جهت تغذیه دام‌هایی که شیر آن‌ها برای انسان مصرف می‌شود بسیار مهم هست. ضمنا در فرایند تولید و فرآوری لبنیات هم باید به موضوع افلاتوکسین توجه شود.

*روغن زیتون

روغن زیتون به دلیل فواید بسیاری که برای سلامتی دارد، از جمله اثرات مثبت بر سلامت قلب و متابولیک، به عنوان یک چربی سالم در نظر گرفته می شود. با این حال، اثرات مثبتی بر کبد نیز دارد زیرا افزودن آن به رژیم غذایی به تجمع چربی کمتر و جریان خون بهتر در کبد کمک می کند.

*زرشک و آب زرشک : ماده غذایی مفید برای کبد و لوزالمعده و عروق هستند.

خیابان سنگی در بوشهر و خاطرات شیرین بچگی

عبدالرسول سلحشورنژاد

امروز رفته بودم خیابان سنگی روبروی اورژانس(درمانگاه ۷ تیر) خیلی شلوغ بود، جای پارک گیر نمیومد، خیابان پر رفت آمد ماشین‌ها، یاد بچگی‌هامون افتادم، خیابان اینقدر خلوت بود که جای بازی بچه ها بود، انواع بازی‌ها. گاری سیمی و غلتک بازی که با قوطی خالی روغنی و امشی استوانه ای که وسط بالا و پایینش سوراخ می‌کردیم ازش سیم رد می‌کردیم و غلتک درست می‌کردیم. چنتا را پشت سر هم رقاط می‌کردیم، هرکی سعی می‌کرد درازتر درست کنه، یه روز رفتیم پشت کارخونه برق، اون موقع بیابونه بود و زمین کشاورزی (اولین کارخانه برق بوشهر در سال‌های ۴۰ الا ۴۱ در محل فعلی امور مشترکین در خیابان توحید بود و اطرافش زمین‌های زراعی و تولید عمده سبزی و صیفی‌جات بوشهر از محله‌های شکری، هلالی، باغ زهرا و ... تامین می‌شد. نصب کارخانه در آن‌جا بخاطر صدا و لرزش موتور برق‌ها بود که دور از منازل باشد.) دیدیم کلی فیلتر روغن ماشین ریخته، فیلترهای فلزی دورشون سوراخ سوراخ ریز و یک سوراخ بزرگ به اندازه مته ۱۶ بالا و پایینش که یه لوله هم داخلش بود و داخلش پر پنبه (جای کاغذ سلولزی فیلتر امروزی) بود و نیاز به سوراخ کردن جای سیم هم نداشت و خوبیش به این بود که سنگین بود و موقع حرکت صدای کم و صداش پر، عین غلتک واقعی و تو سرعت وارو نمی‌شد، هرنفر چنتا برداشتیم و همون‌جا سیم و بند هم پیدا کردیم (اونجا زباله دانی کارخانه برق بود) (نعمت فراوان و دور ریختنی بسیار، نه مثل امروز که سطل‌های زباله ۲۴ ساعته زیر رو میشن برای همه چی، از لیوان یک‌بار مصرف تا آهن‌آلات و کاغذ) همون‌جا غلتک ها را درست کردیم و اومدیم توی خیابان بازی کردن، عجب لذتی داشت، یکی دیگه از بازی خیابونی‌مون، دو تا گاری تخته‌ای بود، مال حسن و حسین شش‌بلوکی که خونشون توی عمارت گلشن بود، (حالا شده بسیج مرکزی بوشهر) روبروی مدرسه مهران قدیم، این گاری‌ها از دو قسمت درست شده بودند، یک قسمت بزرگ برای عقب به ابعاد ۱۲۰ سانت در ۶۰ الا ۷۰ سانت که در ۲۰ سانتی آخر یه شلمون جوبی داشت که دوتا بلبرینگ با قطر ۱۰ سانت بجای چرخ بهش وصل بود و قسمت کوچک به ابعاد ۳۰ الا ۳۵ سانت که یک تخته به عنوان دسته فرمان داشت و زیر این یک بلبرینگ مانند اون دوتا به انتهای آن وصل بود، وسط جلوی قسمت بزرگ بروی ۱۰ الا ۱۵ سانتی قسمت کوچک قرار می گرفت و حکم فرمان داشت و یک نفر در جلو می‌نشست و فرمان در دست می گرفت و دو، سه نفر پشت راننده و دو نفر پشت گاری دست بر شونه دو نفر پشتی می گذاشتند و اونها را هل می‌دادند و گاری که سرعت می گرفت می‌پریدند رو گاری و مسافتی می‌رفتند، سرعت که گم می‌شد می‌پریدند پایین و دوباره هل می‌دادند و مسابقه می‌دادیم و نوبتی جا عوض می کردیم مسافت بازی از نبش جنوبی مدرسه مهران تا روبروی مسجد برازجونی‌ها (مسجد توحید) و بالعکس بود، این بازی هم خیلی کیف داشت اما وای به حال کسی که حواسش نبود و پاش می‌رفت زیر چرخ گاری که بلبرینگ آهنی بود، افتادن ناخن حتمی بود.

روبروی بانک سپه مرکزی فعلی بغل بسیج تا بعد ژاندارمری روبروی کوچه گلخونه فعلی آسفالتش زیاد قیر داشت به طوری که وقتی هوا گرم می‌شد این قیرها گرم می‌شدند و روان و ما این قیرها را می کندیم و باهاشون مجسمه درست می کردیم، (بعدها از یکی از کارگران شرکت تسا که پیمانکار آسفالت بوده شنیدم که گفت زمانی که آسفالت به این‌جاها رسید ما اعتصاب کردیم و چون به هدف‌مون نرسیدیم ، به خاطر ضرر به شرکت قیر آسفالت را زیاد کردیم).

خیابان سنگی این قدر خلوت بود که هر چند دقیقه‌ای یه ماشین رد می‌شد و ما با خیال راحت بازی می کردیم.

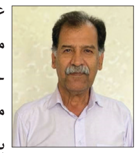
بازی خیابونی دیگه مون، جمع کردن سر شیشه نوشابه بود تا بیاریم و توی خیابون بشینیم و با سر نوشابه اسم هامون رو روی آسفالت توی قیر نرم بچینیم و ماشین‌ها که روشون رد می‌شدند سر نوشابه‌ها در آسفالت فرو می‌رفت.

این یادبودی تا سال‌ها بود، و هر وقت رد می‌شدیم به هم نشون می‌دادیم. یاد اون ایام خوش باد.

پوزش از پدرها و مادرها که تو بچگی، نوجوانی و جوانی، خیلی اذیتشون کردیم و سپاس از زحماتشون.

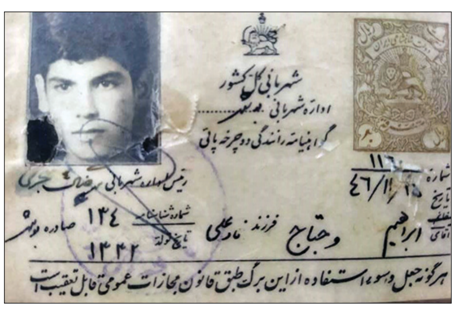
خاطره تصدیق دوچرخه در بوشهر

ابراهیم بشکانی



عصرچهارشنبه‌ای از آبان ماه سال ۱۳۴۳بود، همه خانواده به دور رادیو چهار موج قدیمی که با باطری بزرگی که همیشه کنارش بود کار می کرد، جمع شده بودیم، البته این رادیو به سیمی بلند که تا پشت بام خونه ادامه داشت متصل شده بود و آنتن آن محسوب می‌شد. همه منتظر قرعه کشی بلیط‌های بخت آزمایی(اعانه ملی که ازسال ۱۳۴۱تا سال ۱۳۵۶بفروش می‌رفت) بودیم پس از پایان آهنگی از بانو دلکش برنامه با مجری گری آقای کمال‌الدین مستجاب الدعوه گوینده قدیمی رادیو شروع شد، هیجان خاصی داشتیم و بی‌تاب برای اعلام شماره‌های برنده، دوبلیط و نصفی داشتیم، بالاخره یکی یکی شماره‌ها را اعلام کرد، پس از خواندن شماره برنده‌های ۵ تومانی و ۱۰ تومانی و... از برنده شدن نا امید شدیم تا نوبت به برنده ۳۰ هزار تومانی رسید، که اعلام کرد بلیط‌هایی که رقم آخر سمت راست آن‌ها به عدد ۳۵۳۶۲ ختم می‌شود برنده ۳۰ هزار تومان... آه از نهاد همه بلند شد و همگی حسرت خوردیم، چون برادر بزرگم مهدی پنج رقم شماره آخر بلیطش ۳۵۳۶۱ بود و کسانی که ۳۵۳۶۱ و ۳۵۳۶۳ یعنی یه شماره بالاتر و یکی پایین‌تر داشتند فقط هزار تومان برنده می‌شدند، ولی باز هم خوشحال شدیم که ۵۰۰ تومان برنده شده چون بلیطش با دامادمان نصف نصف شریک شده بود یعنی یک تومان او و یک تومان دامادمان داده بودند و یک بلیط شریکی خریده بودند، برادرم خیلی خوشحال بود و بلافاصله پس از دریافت پول، با اتوبوس شرکت اتو کازرون رفت شیراز وضمن گردش، یک دوچرخه نو با مارک فیلیپس به مبلغ ۳۰۰ تومان خرید و بعد از دو سه روز گردش وتفریح که ۵۰ تومان خرج مسافرخونه و خورد و خوراکش شده بود، ۵ تومان هم کرایه دوچرخه به اتوکازرون داد و بقیه پولش هم آورد بوشهر برای خرید یراق آلات دوچرخه، مثل چراغ دینام و ترک و زنگ و نایلون رنگی(تیپ) برای پیچیدن دور بدنه، حسابی اونوخوشگل و شیک کرد، از روزی که این دوچرخه را خرید من هم خیلی دوست داشتم یکی مثل اون داشته باشم ولی نه خودم و نه پدرم پولی داشت که برام بخره، همیشه حسرت یک دوچرخه مثل اون داشتم و منتظر بودم بزرگتر بشم و به آرزوم برسم، البته هر وقت فرصتی پیش می‌آمد برادرم اجازه سوار شدن بهم می‌داد، ولی چون برایم بزرگ بود، جایی می‌بردم که سکویی داشته باشد تا بتوانم اول سوارش بشوم و بعد نیم پا بزنم تا زمین نخورم ولی با وجود این چندین بار زمین خوردم و زخمی شدم.

این فکرو آرزو ادامه داشت تا خرداد ماه سال ۱۳۴۶ که امتحانات کلاس اول دبیرستان پایان یافت،بلافاصله عزمم جزم کردم و رفتم در کارگاه در و پنجره سازی بزرگ دنیای فلزکه در ضلع جنوب شرقی کارواش ایران ناسیونال (اولین کارواش مدرن بوشهر) که متعلق به طاهرخان دستغیب بود (جای اداره هلال احمر کنونی) مشغول به کار شدم و ضمن یادگیری جوشکاری، دستمزد تابستونم پس انداز کردم و توانستم با آن یک دوچرخه دست دوم بخرم و به آرزوم برسم. اوایل بهمن ماه سال ۱۳۴۶ که سال دوم دبیرستان سعادت بودم، یک روز سر کلاس انشا آقای دکتر جعفرحمیدی نشسته بودیم که از طرف مدرسه اعلام کردند هرکس دوچرخه دارد و می‌خواهد تصدیق بگیرد بیاید دفتر ثبت نام کند، من هم که عاشق دوچرخه سواری بودم، فوری اجازه گرفتم و رفتم ثبت نام کردم، بعد از یک هفته یک روز صبح آقای پیروانی ناظم مدرسه آمدند و گفتند: اون‌هایی که برای تصدیق دوچرخه اسم نوشتند به حیاط بیایند، آمدیم و از فرصت استفاده کردیم اول رفتیم به طرف کافه مدرسه پهلوآقا ماندنی فراش مدرسه، یه چای و کیکی خوردیم و سپس همگی جمع شدیم در کتابخانه دبیرستان که گوشه شمال شرقی مدرسه قرار داشت، پس از مدتی افسر بلند بالای خوش تیپی به نام سروان نیک منش که رئیس راهنمایی و رانندگی بوشهر بود به همراه آقای رسول مجد مدیر مدرسه وارد شدند و پس از معرفی، جناب سروان شروع کرد به توضیح چگونه دوچرخه سواری کردن در خیابان و قوانین و رعایت نکات ایمنی و حق تقدم که مشکلی برایمان پیش نیاید، سپس در حیاط مدرسه تعدادی مانع گذاشت و گفت باید بین اون‌ها به صورت ۸ انگلیسی حرکت کنید و هر کس انجام داد قبول می‌شود، همه دلهره داشتیم من خیلی دلشوره



داشتم و به فکر بودم که نکنه زمین بخورم و رد بشوم، به همین خاطر با دقت به آن‌هایی که امتحان می دادند نگاه می کردم تا اشتباه آن‌ها مرتکب نشوم، چون چند نفر زمین خوردند و یا به مانع برخورد کردند و مردود شدند، کف دستام عرق کرده بود، و ترسی وجودم را گرفته بود، ولی توکل به خدا کردم و آماده امتحان شدم، هنگامی که نوبتم شد با مهارت خاصی بین موانع عبور کردم و همراه تعدادی دیگر قبول شدیم و با یک خوشحالی زایدالوصفی انگار که پیروزی بزرگی بدست آورده بودم این مژده را به خانواده دادم، بعد از یک هفته پاسبانی ازطرف راهنمایی آمد و تصدیق‌ها را (گواهینامه دوچرخه) آورد مدرسه و بهمون دادند، خیلی خوشحال شدیم و با شور و شوقی با پُز زیاد نشون همه می‌دادیم، از آن پس هر وقت سوار دوچرخه می‌شدم اونو در جیب می گذاشتم و برعکس دفعات قبل که یواشکی از چشم پلیس فرار می‌کردم که یه وقت منو نگیره و باد دوچرخه را خالی کنه و پیاده بخوام برم (چون هر وقت پاسبانان شخصی را بدون گواهینامه می دیدند او را نگه می‌داشتند و پس از خالی کردن باد دوچرخه، کرمک اونهم بجایی پرت می کردند تا دوچرخه در دست پیاده برود، من دو سه مرتبه تجربه کرده بودم) ولی حالا با شهامت بدون ترس تو چشم پلیس نگاه می‌کردم ولی بدشانسی هیچ‌وقت منو نگرفتند که بتونم تصدیقم را نشون بدم و فیس بدم که من هم گواهینامه دارم.....

اتل متل تُتوله بوشهری

حسین شادکامی



ایام رسیدن زمستونی که فاصله‌اش با گرمای تابستون و پاییز زود گذر. شروع می‌شد شونشینی‌ها وگپ گفته‌های بزرگترها و سرگرمی های ما بچه در فضای چهار دیواری اطاق های پنج دری و شش دری که از گزند سرما و تاریکی ما را در امان می گذاشت این دورهمی ها با متل‌ها و قصه ها و بازی های مختلف انجام می‌گرفت یکی از این بازی ها اتل متل تتوله بود که نحوه بازی بدین صورت بود که ما بچه ها در کنار هم می‌نشستیم و پاهای خود را دراز می‌کردیم و یکی از بزرگترها صحنه گردون میدون بود و با دستش روی پاهای راست و چپ بچه ها می زد و می‌خواند.



اتل متل نار احمدی نار شکر
تیشه بردار برو به کانه زر
کانه زر هی که هوکه
گله شاه رم کرد
سی و سه تاش کم کرد
دختر شاه شونه می خواد
شونه مردونه می خواد
برو به حوض توتیا
نرش بگیر مادش بیاد
یه پاتو بگیر یه پاتو جمع کن ؟

کلمه آخری روی پای هرکسی با دست تمام می‌شد ازش سئوال می کرد که اُو گرم می‌خواهی یا اُو سرد و یکی که انتخاب می‌کردی یک نیش کنجیری روی پا می‌داد و می‌بایستی همان پا را جمع می کرد و دوباره آغاز می‌شد همه منتظر بودند تا نوبت‌شان برسد. بازی و خواندن این ابیات تا پایان تمام پاهای دراز کشیده ادامه داشت. نفرات بازی تا ده نفر از چهار ساله به بالاتر انجام می گرفت و بعضاً بزرگترها هم به بازی ملعق می‌شدند که هیجان بازی دو چندان می کرد .

زمان که گذشت خواندن ابیات برای این بازی تغییر یافت و با اعداد ده تایی که از ده. بیست، سی، چهل تا صد خوانده می‌شد. بعد از آن ادبیات جدیدی جایگزین شد که زیاد دوام نداشت.

اتل متل توتوله
گاو حسن چه جوره
نه شیر داره نه پستون
گاوش بردند هندسون
یک زن کردی بستون
اسمش بگذار انقضی
دور پراش(کلاه ش) قرمزی
هاچین واچین یه پاتون واچین
آب گرم می خوای یا آب سرد

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ – ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب – تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ – ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



گالیا توانگر

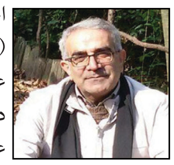


چشم‌هایم را می‌بندم
به تکه ابری فکر می‌کنم
که بر پنجره‌ات
ضرب گرفته است
من در خیالم
اینچنین با تو رقصیده‌ام
و هر برگ خیس فرو افتاده
تکه‌ای از دامن من است
که بادها ربوده‌اند
بادهای سرگردان بی‌فصل
که در اصل
تندران زین کرده‌ی وحشت‌اند
من از باز کردن چشم‌هایم می‌ترسم
و همیشه پشت پلک‌هایم
یال‌های اسب‌های سرگردان عاشق را
در خاکستری آسمان شهر
به امید رسیدن تو
بوسیده‌ام
خواب دیده‌ام
به آبگیری فرو می‌افتم
اما
هزار سپیدار ایستاده
به من
که غربت سبز پاییزم
سلام می‌دهند
و دوباره تکه‌های دامنم را
در اشتیاق نارنجی برگ‌ها
به سماع می‌گیرم
آری
آری
اینچنین است
که رویایم، باغ را
در اشتیاق سبز بهارها
زنده نگه می‌دارد

به مناسبت معرفی «کوچه ننه معصومه» در نسیم جنوب

جهانی بهتر به آیندگان تحویل دهیم

دکتر سعید معدنی – تهران



اخیرا در هفته نامه نسیم جنوب (شماره ۱۰۶۳) گزارشی با عنوان «دیداری با ننه معصومه در کوچه گردشگری بوشهر: عشق ننه معصومه، بوشهر هست» و همچنین یادداشتی از دوست گرامی‌ام سردبیر نشریه دکتر یونس قیصی‌زاده با عنوان «یک کوچه برای آرامش در بوشهر» و دو مطلب دیگر در همین باره خواندم.

به عنوان یک غیربوشهری که دوستان بوشهری فراوان دارم و از برخی مسائل آن شهر به واسطه این دوستان تا حدودی باخبرم، این ابتکار که توسط یک زن و فرزندان و نوه‌هایش انجام شده جالب به نظر می‌رسد. یک مادر بزرگ اراده کرده تا با رنگ و نقاشی کوچه، و کاشتن درخت و گذاشتن گل و گلدان، کوچه را برای مسافران و گردشگران جذاب سازد تا هم دمی در سایه‌ای بنشینند و هم با غذاهای لذیذ محلی بوشهری پذیرایی شوند. دنیا همین است و بیش از این نیست. مگر می‌خواهیم چه کنیم؟

جز این که یک فرد یا گروهی، جهانی کمی بهتر و اندکی قشنگ‌تر به نسل بعد تحویل دهد. که ظاهراً مادر بزرگی معروف به «ننه معصومه» در یکی از کوچه‌های بوشهر همین کار را کرده است. جمله‌ای منسوب به «گابریل گارسیا مارکز» نویسنده کتاب «صد سال تنهایی» در فضای مجازی وجود دارد که به همین موضوع اشاره می‌کند. وی می گوید: «باید جهان را بهتر از آن چه تحویل گرفته‌ای، تحویل بدهی، خواه با فرزندی خوب، یا باغچه‌ای سرسبز؛ اگر فقط یک نفر، با بودن تو ساده‌تر نفس کشید، یعنی تو موفق شده‌ای».

در قسمتی از مصاحبه ننه معصومه می گوید که بخشی از کوچه را که مخروبه بود و موش و سایر جانوران موذی آن‌جا وول می‌خوردند، دیوارکشی و نقاشی کرده و رنگ و لعاب داده و کوچه را زیباتر کرده است تا هم همشهری‌ها و هم توریست‌های وطنی و بعضا خارجی به این کوچه که قبلا رو به خرابی بوده سری بزنند.





نظریه‌ی «پنجره شکسته» در جامعه شناسی به همین موضوع اشاره دارد. یکبار محققی خیابانی را که محلی ناامن، جرم‌خیز و پرشرارت بود مورد بررسی قرار داد. نکته‌ای که توجه او را جلب کرد شیشه‌های شکسته بسیاری از پنجره خانه‌ها بود. به مسئولان شهر پیشنهاد داد تا این پنجره‌ها را تعمیر کنند تا اثرات آن در بهبودی خیابان مشاهده شود. نتیجه عالی بود. با تعمیر شیشه پنجره‌ها به مرور زمان، محله، آباد و اهالی به تمیزی و نظم آن اهمیت دادند به تدریج از کثیفی خیابان و جرم خیزی آن به طور چشم‌گیری کاسته شد. (نظریه پنجره شکسته را در گوگل سرچ کنید. ایده‌های خوبی به شما یاد می‌آموزد.)

در تهران در حوالی خیابان انقلاب کوچه‌ای شلوغ و بی نظم به نام «مهرناز» وجود داشت. کوچه‌ای که در آن صدای موتور موتورسواران گوش رهگذران را کر می‌کرد. به پیشنهاد برخی از اهالی و به همت شهرداری، چترهای زیبای رنگارنگی به عنوان سقف برای کوچه تعبیه شد و بعدها کف کوچه سنگفرش و نیمکت‌های شکیل هم اضافه شد و معروف به «کوچه چتری» شد. الان بسیاری که به این کوچه وارد می‌شوند ضمن این‌که در سایه چترها در مقابل آفتاب و باران مصون هستند از زیبایی، آرامش و جذابیت کوچه هم لذت می‌برند و عکس‌های یادگاری می‌گیرند. همچنین به رونق کسب و کار مغازه‌ها هم افزوده شده است. بعدها برخی کوچه‌های دیگر تهران را نیز چتری کردند و کوچه‌های‌شان آباد و زیبا شدند. حتی در گزارشی خواندم در برخی از شهرها مثل شیراز و اصفهان هم «کوچه‌های چتری» ابداع شده است.

یک مشکلی که وجود دارد این است که ممکن است ما به دلیل معاصرت و مجاورت با این گونه ابتکارها آن‌ها را کم اهمیت جلوه داده و حتی امری بیهوده بدانیم. در حالی که در همه جا ابتکارات نو اینگونه شروع می‌شود. ولی برای عده‌ای اقدامات مشابه ساکنان شهرهای دیگر و کشورهای‌های دیگر مهم تلقی می‌شود، به عبارتی مرغ همسایه غاز است. کار امثال «ننه معصومه» و مشابه آن را در شهرهای‌مان کم اهمیت و کوچک نشماریم. با کنار هم قرار گرفتن همین کارهای به ظاهر کوچک اما مهم، جهان بهتری برای نفس کشیدن و شادزیستن فرزندان و نسل‌های آینده خواهیم داشت. تعمیر پنجره شکسته در یک کوچه، یک اداره و ساختمان نشان می‌دهد که آن‌جا کسی هست و چراغی روشن است و اراده‌ای برای خوب بودن و خوب زیستن وجود دارد. به عبارتی آشنا «آبادی، آبادانی و رونق می‌آورد» و تداوم آبادگری در ابعاد وسیع توسعه و پیشرفت را در پی دارد.

کمبود آتش نشانی و امداد جاده‌ای در بوشهر



محمد اصلانی : به طور اتفاقی چشمم به تابلویی که در بین زباله‌ها و نخاله‌های ساختمانی پنهان شده بود افتاد. تابلوی محل آتش نشانی و امداد جاده‌ای که واقعاً کمبود این دو مهم حیاتی در مناطقی در بوشهر که وجود آن‌ها واجب است احساس می‌شود. از مسئولان و خدمتگزاران واقعی تقاضا دارم نسبت به تخصیص بودجه جهت خرید و جانمایی این دو مهم که مستقیم نجات‌دهنده جان و مال مردم است در مکان‌هایی لازم، اقدام سریع نمایند. مکان‌هایی نظیر تنگک، سبز آباد، شهرک نیایش و...



نه شهرهای ویران، نه باغ‌های سبز
دنیای پیش روی‌مان برهوتیست
تا آن‌سوی نهایت، تا ... هیچ...
دیگر در ما
شور گلایه هم نیست
شور گلایه از بد، دشنام با بدی
دیگر در ما شور مردن هم نیست
رود شقاوت ما جاریست
تا چشمه سارِ خشک شکایت، تا ... هیچ...
(منوچهرآتشی)

تصویری از بندر بوشهر در دوره ناصری

